

تاثیر حمایت از سرمایه گذار و پذیرش استانداردهای حسابداری بر کیفیت سود

وحید بخردی نسب^۱، روح الله نقی ها نجف آبادی^۲

^۱ دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد حسابداری؛ کارمند دانشگاه صنعتی اصفهان

^۲ دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد حسابداری؛ کارمند دانشگاه صنعتی اصفهان.

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

وحید بخردی نسب

vahid.bekhradinasab@gmail.com

چکیده

امروزه پس از مطرح شدن بحث‌هایی از قبیل بین المللی شدن بازارها، سرمایه گذاری بین المللی و ضرورت پیوستن کشورها به بازارهای جهانی، شرکت هایی با سطح فعالیت های بین المللی به وجود آمدند. در پی آن، مسئله هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری به منظور افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌های بین‌المللی از سوی جوامع مختلف مطرح شد. در این پژوهش به بررسی تاثیر حمایت از سرمایه گذار و پذیرش استانداردهای حسابداری بر کیفیت سود پرداخته شده است. حمایت از سرمایه گذار و پذیرش استانداردهای حسابداری با استفاده از وجود و به کارگیری استانداردهای تازه وضع شده حسابداری و گزارش حسابرس مبنی بر عدم رعایت استاندارد اندازه گیری می شود. ولی کیفیت سود بر اساس اصلاحاتی برای عملکرد گذشته مطابق با پژوهش بخردی نسب و ژولانژاد (۱۳۹۴) تبیین شده است. همچنین پژوهش حاضر یک بازه زمانی ۲۳ ساله از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۲ و در بر گیرنده پنج فرضیه می باشد. شواهد پژوهش حاکی از آن است که به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی همچنین به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی و استقلال هیئت مدیره و به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی و حفاظت از سهامداران رابطه معناداری با کیفیت سود دارد. ولی به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی و پذیرش استانداردهای حسابداری و به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی و عدم دواگانگی مسئولیت مدیر عامل اثری بر کیفیت سود ندارد.

واژگان کلیدی: سرمایه گذار، استانداردهای حسابداری، استقلال هیئت مدیره، حفاظت از سهامداران.

مقدمه

امروزه صورت های مالی به عنوان مهم ترین منبع اطلاعاتی برای انعکاس نتایج عملکرد و وضعیت مالی و جریان های نقدی واحدهای تجاری شناخته می شوند. سود خالص گزارش شده توسط واحدهای تجاری که یکی از عناصر و اقلام صورت های مالی است در بسیاری از روش های ارزیابی عملکرد و تعیین ارزش یک شرکت مورد استفاده قرار می گیرد. حال اگر سیستم گزارشگری مالی بتواند اطلاعات کمی و کیفی را که تحلیلگران مالی و سایر استفاده کنندگان گزارش های مالی برای ارزیابی کیفیت سود نیاز دارند ارائه نماید، تصویر بهتری از وضعیت مالی و عملکرد واحد تجاری بدست می آید. یکی از روش های اندازه گیری کیفیت سود، پایداری سود می باشد که در این تحقیق مدنظر قرار خواهد گرفت. به همین دلیل مبنای تهیه صورت های مالی که همان استانداردهای حسابداری هستند از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می باشد و یکی از مهم ترین الزامات تهیه و ارائه اطلاعات مالی با کیفیت مطلوب، وضع و تدوین اصول و استانداردهای حسابداری و رعایت آنها در عمل است. همچنین ایجاد و توسعه روزافزون بنگاه های اقتصادی نیازمند تامین منابع مالی قابل ملاحظه است، که تامین کل آن از عهده موسین، خارج است. بازار سرمایه برای شرکت ها این امکان را فراهم می آورد که منابع مالی مورد نیاز خود را از طریق عرضه اوراق بهادار تامین نمایند. به عبارت دیگر بازار سرمایه، فضایی را برای انتقال منابع از پس انداز کنندگان به مصرف کنندگان مالی ایجاد می نماید و از طریق فراهم آوردن سرمایه مورد نیاز بنگاه های اقتصادی و تخصیص بهینه منابع، نقش عمده ای در اقتصاد کشورها ایفا می کند. پاسخ گویی به نیازهای اطلاعاتی سرمایه گذاران و تصمیم گیرندگان اقتصادی و تامین اطلاعات مالی شفاف و صاحبان سرمایه، اعتبار دهندگان و سایر استفاده کنندگان برای تصمیم گیری در زمینه خرید، فروش، نگهداری سهام، اعطای وام، ارزیابی عملکرد مدیران و دیگر تصمیم های اقتصادی مهم به اطلاعات مالی مربوطه نیازمندند. سود واحد اقتصادی جزء مهم ترین اطلاعاتی است که شالوده بسیاری از اطلاعات مالی را تشکیل می دهد. شرکتی که در حال حاضر سودآور است و احتمال سودآوری آن در آینده نیز وجود دارد، نسبت به شرکتی که سودهای بالقوه آن تقلیل می یابد، جذاب تر است. اما جهت اتخاذ تصمیمات بهینه توجه به کیفیت سود علاوه بر کمیت سود ضروری است (محمدزادگان، ۱۳۸۵).

بیان مسئله

امروزه پس از مطرح شدن بحث هایی از قبیل بین المللی شدن بازارها، سرمایه گذاری بین المللی و ضرورت پیوستن کشورها به بازارهای جهانی، شرکتهایی با سطح فعالیت های بین المللی به وجود آمدند. در پی آن، مسئله هماهنگ سازی استانداردهای حسابداری به منظور افزایش قابلیت مقایسه صورت های مالی شرکت های بین المللی از سوی جوامع مختلف مطرح شد. هدف کمیته تدوین استانداردهای حسابداری بین المللی^۱ و جایگزین آن، یعنی هیئت تدوین استانداردهای حسابداری بین المللی، ارائه مجموعه ای از استانداردهای حسابداری مورد پذیرش عموم و با کیفیت، در سطح بین المللی است. اولین استانداردهای حسابداری بین المللی را کمیته تدوین استانداردهای حسابداری بین المللی در سال ۱۹۷۵ منتشر کرد. هیئت تدوین استانداردهای حسابداری بین المللی در سال ۲۰۰۱ جایگزین این کمیته شد و در سال ۲۰۰۵ بیشتر شرکت های اروپایی و کشورهای دیگر ملزم به رعایت استانداردهای گزارشگری حسابداری بین المللی در ارائه صورت های مالی خود شدند. (آرمسترونک^۲ و همکاران، ۲۰۰۷)

تاکنون دیدگاه های متعددی درباره مزایای هماهنگ سازی استانداردهای حسابداری در سطح بین المللی ارائه شده است که مرکز ثقل این دیدگاه ها، نظریه فرهنگ آزاد است. براساس این نظریه تمام کاربران صورت های مالی در تمام کشورها دارای نیازهای یکسانی هستند و معاملات اقتصادی را می توان برحسب واژه های حسابداری در هر شرایطی و با روش های مشابهی اندازه گیری کرد. (شباهنک، ۱۳۸۲).

البته می توان گفت که مخالفان این دیدگاه بیشتر از موافقان آن هستند و دلایل و موانع متعددی برای این فرآیند عنوان می کنند. در واقع این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که: آیا در ایران رعایت استانداردهای گزارشگری حسابداری بین المللی می تواند به بهبود کیفیت سود کمک نماید؟

¹ International Accounting Standards Committee (IAST)

² Armstrong

پیشینه نظری و تجربی پژوهش

در مبانی نظری حسابداری و گزارشگری مالی در ایران آمده است: اطلاعات مالی چنانچه بر استانداردهای مناسبی که باید در پردازش و گزارش اطلاعات مالی به کار رود، متکی نباشد فایده چندانی برای اتخاذ تصمیمات منطقی نخواهد داشت. (هیئت استاندارد گذاری حسابداری، ۲۰۱۰)

استانداردهای حسابداری در راستای هدف بالا بردن کیفیت اطلاعات حسابداری و ایفای نقش اطلاع رسانی حسابداری به گونه مطلوب، تدوین می شوند. (ثقفی و ابراهیمی، ۲۰۰۹) آنها بر انعکاس آثار فعالیت های شرکت در قالب صورت های مالی و در بعضی موارد بر انتقال ثروت مؤثرند. اندازه گیری سود شرکت و دارایی ها و بدهی های آن و همین طور تقسیم سود متأثر از استانداردهای حسابداری است (عبداللهی، ۲۰۰۶) امکان دارد تدوین و اعمال یک استاندارد حسابداری به نفع عدهای و به زیان برخی دیگر باشد. (بلکویی^۱، ۲۰۰۲) از این رو، بی شک فرآیند قانون گذاری در حسابداری فرآیندی سیاسی است که در آن افراد مختلف در جهت منافع خود به لابی کردن می پردازند. (ولک^۲، ۲۰۰۸) در این صورت، استاندارد گذاران باید مربوط بودن را در برابر نیاز به راضی کردن چندین نهاد حرفه ای و قانونی با منافع متضاد به حالت موازنه در آورند (الی و وایمیر^۳، ۱۹۹۹).

در هر حال، تدوین استانداردهای حسابداری یک کانون توجه برای تحقیقات انتقادی حسابداری^۴ است. اگرچه عده زیادی به نتایج آن ها شک دارند، اما این احساس درونی وجود دارد که آن می تواند بهتر از استدلال های شخصی باشد. (فوگارتی^۵، ۱۹۹۸) جهت بحث و بررسی پیامدهای استانداردهای حسابداری، تحقیقات درجه مربوط بودن دارای محتوای اطلاعاتی است. هر چند آنها تنها منبع اطلاعاتی استاندارد گذاران محسوب نمی شود یافته های حاصل از این مطالعات، ورودی هایی برای فرآیند تصمیم گیری استاندارد گذاران است و دیدگاه های مفیدی برای استاندارد گذاری ارائه می دهد (بارت^۶، ۲۰۰۱).

خواجوی و ناظمی (۱۳۸۴) ارتباط بین کیفیت سود و بازده سهام را با تاکید بر نقش ارقام تعهدی بررسی کردند. بر اساس یافته های تحقیق میانگین بازده سهام شرکت ها، تحت تاثیر میزان ارقام تعهدی و اجزای مربوط به آن قرار نمی گیرند.

نوروش و مجیدی (۱۳۸۴) در تحقیقی رابطه کیفیت سود و هزینه سرمایه را در شرکت های بورسی ایران بررسی کردند. نتایج تحقیق نشان داد که در دوره ی مورد آزمون (۱۳۸۲-۱۳۷۸) به استثنای سال ۱۳۷۹ رابطه ی معکوسی بین کیفیت سود و هزینه سرمایه وجود دارد.

ثقفی و کردستانی (۱۳۸۳) به بررسی رابطه ی بین کیفیت سود و واکنش بازار به تغییرات سود نقدی پرداخته اند. نتایج تحقیق نشان داد سرمایه گذاران در بورس اوراق بهادار تهران هنگام واکنش به تغییرات سود نقدی، کیفیت سود شرکت ها را در نظر نمی گیرند.

بارث و دیگران^۷ (۲۰۰۷) در تحقیق خود بین ۲۱ کشور اروپایی به این نتیجه رسیدند، شرکت هایی که استانداردهای حسابداری بین المللی را به کار گرفتند، دارای مدیریت سود کمتر، شناسایی زیان به موقع و اطلاعات حسابداری مربوط تری نسبت به شرکت هایی بودند که استانداردهای حسابداری ملی خود را اعمال کرده اند. همچنین، شرکت هایی که استانداردهای حسابداری بین المللی را در سیستم گزارشگری خود اعمال کرده اند، دارای کیفیت حسابداری بالاتری در دوره های پس از اعمال این استانداردها نسبت به دوره های قبل از آن بودند.

نتایج پژوهش های باند، ادوارد و واکر^۸ (۲۰۰۸)، وون^۹ (۲۰۰۵)، هگارتی^{۱۰} (۲۰۰۴)، دینگ، هاپ و جن^{۱۱} (۲۰۰۷)، لین و پانانن^{۱۲} (۲۰۰۹) و یاری و تومو^{۱۳} (۲۰۰۷) نشان داد شرکت هایی که از استانداردهای حسابداری بین المللی پیروی می کنند، دارای کیفیت

¹ Belkaoui² Wolk³ Ely & Waymire⁴ Critical accounting researches⁵ Fogarty⁶ Barth⁷ Barth, Landsman and lang⁸ Bonde, Edward and walker⁹ Voon¹⁰ Hegarty¹¹ Ding Hope and Jeanjean¹² Lin and paananen¹³ uri and tomo

حسابداری بالاتری هستند. پترسکی^۱ (۲۰۰۶) در تحقیق خود در کشور ایتالیا به این نتیجه رسید که به کارگیری استانداردهای حسابداری بین المللی منجر به کیفیت حسابداری بالاتر در شرکتهای اعمال کننده می شود.

بارث، لانسمن ولانگ (۲۰۰۹) در تحقیق خود نتیجه گرفتند شرکتهایی که اصول کمی پذیرفته شده حسابداری را رعایت می کنند، اطلاعات مربوطتری نسبت به شرکتهایی که استانداردهای حسابداری بین المللی را نپذیرفتند، دارند. لین^۲ (۲۰۰۶) نیز در تحقیق خود نشان داد استانداردهای ملی اطلاعات مربوط تری نسبت به استانداردهای بین المللی ارائه می کنند.

بارث و لانسمن (۲۰۰۶) به این نتیجه رسیدند شرکتهایی که استانداردهای حسابداری بین المللی را در گزارشگری صورت های مالی اعمال می کنند، دارای کیفیت حسابداری کمتری نسبت به شرکتهای دیگر هستند.

کردازو^۳ (۲۰۰۶) تاثیر به کارگیری استانداردهای حسابداری بین المللی بر کیفیت حسابداری در مقایسه با استانداردهای حسابداری ملی را در ایتالیا بررسی کرد. یافته های پژوهش نشان داد ارزش سهام و کیفیت سود با به کارگیری استانداردهای حسابداری بین المللی افزایش می یابد. همچنین کریستن سن، لی و واکر^۴ (۲۰۰۷) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند، کیفیت حسابداری در شرکتهای مورد مطالعه پس از پذیرش استانداردهای حسابداری بین المللی افزایش می یابد.

اتاناسیوس و همکاران^۵ (۲۰۰۷) در تحقیقی بین شرکت های کشور یونان به مقایسه استانداردهای حسابداری بین المللی با استانداردهای ملی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که با به کارگیری استانداردهای حسابداری بین المللی سود هر سهم و ارزش دفتری آن نقش بارزتری در تعیین قیمت سهام دارند. کورتو^۶ (۲۰۰۴) نیز به بررسی به کارگیری استانداردهای حسابداری بین المللی و تاثیر آن بر کیفیت سود و مربوط بودن اطلاعات حسابداری در کشور پرتغال پرداخت و نشان داد، شرکتهایی که استانداردهای حسابداری بین المللی را اعمال کردند هموارسازی سود کمتر و در نتیجه کیفیت سود بیشتری داشتند. سادراسترام و سون^۷ (۲۰۰۷) در تحقیقی که بین کشورهای اروپایی انجام دادند به این نتیجه رسیدند که این تغییر بزرگ در سیستم گزارشگری تاثیر زیادی بر محیط اطلاعاتی شرکتهای اتحادیه اروپا دارد و کیفیت حسابداری را افزایش می دهد. وان و وانسترلین^۸ (۲۰۰۵) در تحقیقهایی بین شرکت های آلمان به این نتیجه رسیدند، شرکتهایی که استانداردهای حسابداری بین المللی را به کار گرفتند نسبت به شرکت های دیگر مدیریت سود کمتر و کیفیت حسابداری بیشتری داشتند.

روساین^۹ (۱۹۹۹) سودی را با کیفیت تر می داند که پایدارتر باشد. از دید ریچاردسون و همکاران^{۱۰} (۲۰۰۱) کیفیت سود درجه ثبات عملکرد عایدات در دوره ای آینده است. تعریف بنیش و وارگاس^{۱۱} (۲۰۰۲) از کیفیت سود احتمال پایداری عایدات جاری در آینده است. پنمن و ژانگ^{۱۲} (۲۰۰۲) کیفیت سود را توانایی سود در نشان دادن عایدات آینده تعریف می کنند.

اسکیپر و وینسنت^{۱۳} (۲۰۰۳) کیفیت سود را مرتبط با سود مورد نظر هیکس می دانند، یعنی از دید آنان کیفیت سود حدی از است که عایدات گزارش شده در گزارش سود مورد نظر هیکس را نشان دهد. از دیدگاه هاج^{۱۴} (۲۰۰۳) کیفیت سود درجه تفاوت سود خالص گزارش شده از عایدات واقعی است.

تعریف میخائیل و همکاران^{۱۵} (۲۰۰۳) از کیفیت سود نیز درجه ارتباط عایدات گذشته ای یک شرکت با جریان، جریان نقدی آینده آن است.

¹ Petreski

² Lin

³ Cordazzo

⁴ Christensen, lee and walker

⁵ Athanasios et al

⁶ Curto

⁷ Soderstrom and sun

⁸ Van and Vanstraelen

⁹ Revsine

¹⁰ Richardson and et al

¹¹ Beneish and Vagus

¹² Penman and Zhang

¹³ Schiper and Vincent

¹⁴ Hodge

¹⁵ Mikhail and et al

وایت^۱ (۲۰۰۳) کیفیت سود را میزان محافظه کاری اعمال شده در سود گزارش شده می داند. کرسکن هایتر و ملوماد^۲ (۲۰۰۴) سود با کیفیت را سودی می دانند که به ارزش شرکت در بلندمدت نزدیک تر بوده و حاوی محتوای اطلاعاتی بیش تر باشد. اسکولر^۳ (۲۰۰۴) کیفیت سود را به شکل رابطه ی بین اقلام تعهدی و جریان های نقدی تعریف می کند.

یکی از دلایل احتمالی تنوع در تعاریف به عمل آمده از کیفیت سود می تواند نگاه های متفاوت محققان به جنبه های گوناگون این مفهوم باشد. به همین دلیل، موضوع کیفیت سود موضوعی پیچیده به شمار می رود و تاکنون هیچ محققى نتوانسته است تعریف جامعی از این مفهوم ارائه کند و یا شاخص کاملی برای آن بیابد. برخی از مهم ترین تحقیقات انجام شده در رابطه با کیفیت سود به شرح زیر هستند:

اسلوان^۴ (۱۹۹۶) در تحقیق خود نشان داد عملکرد سودآوری قابل انتساب به جزء تعهدی سود کمتر از بخش قابل انتساب به جزء نقدی است.

یافته های پنمن و ژانگ (۲۰۰۲) بیان گر این است که حسابداری محافظه کارانه، منجر به کیفیت سود می شود.

ریچاردسون (۲۰۰۱) به این نتیجه رسید که اطلاعات اقلام تعهدی در زمینه کیفیت سود در یک بخش خاص از اقلام تعهدی (مثلا اقلام تعهدی جاری) متمرکز نیست.

ژی^۵ (۲۰۰۱) نشان داد اقلام تعهدی غیرعادی نسبت به اقلام تعهدی عادی ثابت کمتری دارند و خود اقلام تعهدی عادی هم نسبت به جریان های نقدی عملیاتی ثابت کمتری دارند.

فرانسیس و همکاران^۶ (۲۰۰۳) شواهدی ارائه کردند که بیان گر رابطه ی مثبت بین آثار قیمت گذاری الگوهای سودآوری و کیفیت سود است.

ریچاردسون (۲۰۰۳) به بررسی رابطه ی بین فروش استقراضی سهام و کیفیت سود پرداخت. وی به این نتیجه رسید افرادی که مبادرت به فروش استقراضی سهام می کنند از اطلاعات اقلام تعهدی در مورد سود آینده استفاده چندانی نمی کنند. افزون بر این، فروش استقراضی سهام در شرکت های با اقلام تعهدی زیاد پر هزینه است.

چان و همکاران^۷ (۲۰۰۴) رابطه ی محتوای اطلاعاتی کیفیت سود را با بازده آینده سهام بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که میان اقلام تعهدی و بازده آینده سهام رابطه ی منفی وجود دارد.

فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) به این نتیجه رسیدند که کیفیت اقلام تعهدی بر هزینه ی تامین مالی اثر می گذارد. افزون بر این، هزینه ی سرمایه شرکت های دارای اقلام تعهدی با کیفیت پایین، بیش تر است.

هانلون^۸ (۲۰۰۵) رابطه ی بین مالیات و کیفیت سود را بررسی کرد و به این نتیجه رسید که ثبات اقلام تعهدی و جریان های نقدی برای شرکت های دارای تفاوت زیاد بین دفاتر و اظهارنامه های مالیاتی، کمتر است.

بال و شیواکومار^۹ (۲۰۰۵) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که شرکت های غیربهره ای به دلیل وجود تقاضای کمتر برای گزارش های مالی، کیفیت سود پایین تری نسبت به شرکت های بهره ای دارند.

احمد^{۱۰} (۲۰۰۴) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که کیفیت سود با واکنش بازار رابطه ی معنادار و معکوس دارد.

گش و دیگران^{۱۱} (۲۰۰۴) کیفیت سود و ضریب واکنش سود را، هنگام افزایش با ثبات سود و فروش بررسی کردند. نتایج تحقیق آنان نشان داد، شرکت های دارای رشد سود توام با افزایش فروش، از کیفیت سود و ضریب واکنش سود بالاتری نسبت به شرکت های دارای رشد سود توام با کاهش هزینه برخوردار هستند.

¹ White

² Kirschenheiter and Melumad

³ Scholer

⁴ Sloan

⁵ Xie

⁶ Fancies and et al

⁷ Chan and et al

⁸ Honlon

⁹ Ball and Shivakumar

¹⁰ Ahmed

¹¹ Ghosh and et al

پنمن و ژانگ (۲۰۰۳) در مطالعه‌ی خود عوامل موثر بر کاهش کیفیت سود را در سال های پس از ۱۹۹۰ میلادی بررسی کردند. در این تحقیق برای ارزیابی کیفیت سود، از دو معیار ارقام تعهدی اختیاری و ضریب واکنش سود استفاده شده است. نتایج نشان داد افزایش معنی‌دار دامنه‌ی ارقام تعهدی اختیاری و کاهش معنی‌دار ضریب واکنش سود، نشان دهنده‌ی کاهش کیفیت سود در طول دوره‌ی مورد بررسی است.

لوگی^۱ (۲۰۰۴) در تحقیق خود کیفیت سود را با توجه به چارچوب مفهومی هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی آزمون کرد و به این نتیجه رسید که کیفیت سود شرکت‌ها هنگامی که میزان مالکیت نهادی در آنها افزایش یابد، بهبود خواهد یافت. در این صورت ارقام تشکیل دهنده‌ی سود شرکت‌ها از مربوط بودن و قابلیت اتکای بالاتری برخوردار خواهند بود.

اسکیپر و وینسنت (۲۰۰۳) در تحقیق خود به بررسی معیارهای ارزیابی کیفیت سود پرداختند و نشان دادند که کیفیت سود علاوه بر معیارهای متداول به نوع و میزان قراردادهای منعقد بر اساس اطلاعات حسابداری نیز بستگی دارد.

چان و دیگران (۲۰۰۶) رابطه ارقام تعهدی (تفاوت بین سود و جریان های نقدی) را با بازده آینده سهام بررسی کردند و نشان دادند که شرکت‌های با ارقام تعهدی زیاد در دوره‌ی بعد از گزارش‌گری اطلاعات مالی، بازده سهام آنها کاهش می‌یابد. یک تفسیر از این نتایج این است که شرکت‌ها با کیفیت سود پایین (یعنی شرکت‌هایی که ارقام تعهدی بالایی دارند) در دوره‌ی پس از گزارش-گری سود، دچار افت بازدهی می‌شوند، زیرا سرمایه‌گذاران به مساله کیفیت سود پایین شرکت‌ها پی می‌برند و قیمت سهام را متناسب با آن تعدیل می‌کنند.

باروا^۲ (۲۰۰۶) در مطالعه‌ی خود معیارهای اندازه‌گیری کیفیت سود را، با استفاده از ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی مندرج در چارچوب نظری هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی، بررسی کرده است. نتایج حاصل از بررسی اجزای هر یک از ابعاد کیفیت سود نشان داد، شرکت‌هایی با مربوط بودن و قابلیت اتکای بالای سود در مقایسه با شرکت‌هایی که مربوط بودن و قابلیت اتکای سود آنها پایین است، ضریب واکنش سود و قدرت توضیحی رگرسیون قیمت - سود بالاتری دارند.

فرضیه های پژوهشی

اطلاعات مالی چنانچه بر استانداردهای مناسبی که باید در پردازش و گزارش اطلاعات مالی به کار رود، متکی نباشد فایده چندانی برای اتخاذ تصمیمات منطقی نخواهد داشت (هیئت استاندارد گذاری حسابداری، ۱۹۹۷). استانداردهای حسابداری در راستای هدف بالا بردن کیفیت اطلاعات حسابداری و ایفای نقش اطلاع رسانی حسابداری به گونه مطلوب، تدوین می شوند (ثقفی و ابراهیمی، ۲۰۰۹) آنها بر انعکاس آثار فعالیت‌های شرکت در قالب صورت های مالی و در بعضی موارد بر انتقال ثروت مؤثرند. اندازه‌گیری سود شرکت و دارایی‌ها و بدهی‌های آن و همین‌طور تقسیم سود متأثر از استانداردهای حسابداری است (عبداللهی، ۲۰۰۶). امکان دارد تدوین و اعمال یک استاندارد حسابداری به نفع عده‌ای و به زیان برخی دیگر باشد (بلوکویی^۳، ۲۰۰۲) از این رو، بی‌شک فرآیند قانون‌گذاری در حسابداری فرآیندی سیاسی است که در آن افراد مختلف در جهت منافع خود به لابی کردن می‌پردازند (ولک^۴، ۲۰۰۸) در این صورت، استانداردگذاران باید مربوط بودن را در برابر نیاز به راضی کردن چندین نهاد حرفه‌ای و قانونی با منافع متضاد به حالت موازنه درآورند (الی و وایمیر^۵، ۱۹۹۹). در هر حال، تدوین استانداردهای حسابداری یک قانون توجه برای تحقیقات انتقادی حسابداری^۶ است. اگرچه عده زیادی به نتایج آن‌ها شک دارند، اما این احساس درونی وجود دارد که آن می‌تواند بهتر از استدلال‌های شخصی باشد (فوغارتی^۷، ۱۹۹۸) جهت بحث و بررسی پیامدهای استانداردهای حسابداری، تحقیقات درجه مربوط بودن دارای محتوای اطلاعاتی است. هرچند آنها تنها منبع اطلاعاتی استانداردگذاران محسوب نمی‌شود. یافته‌های حاصل از این مطالعات، ورودی‌هایی برای فرآیند تصمیم‌گیری استانداردگذاران است و دیدگاه‌های مفیدی برای استانداردگذاری ارائه می‌دهد (بارت^۸، ۲۰۰۱). با توجه به مطالب گفته شده پنج فرضیه به صورت زیر تدوین و طراحی شده است:

¹ Lugee

² Braua

³ Belkaoui

⁴ Wolk

⁵ Ely & Waymire

⁶ Critical accounting researches

⁷ Fogarty

⁸ Barth

فرضیه اول: کیفیت سود با به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی رابطه‌ی معناداری دارد.

فرضیه دوم: کیفیت سود با به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی و استقلال هیئت مدیره رابطه‌ی معناداری دارد.

فرضیه سوم: کیفیت سود با به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی و حفاظت از سهامداران رابطه‌ی معناداری دارد.

فرضیه چهارم: کیفیت سود با به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی و پذیرش استانداردهای حسابداری رابطه‌ی معناداری دارد.

فرضیه پنجم: کیفیت سود با به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی و عدم دوگانگی مسئولیت مدیر عامل رابطه‌ی معناداری دارد.

روش پژوهش

در این تحقیق جامعه آماری متشکل از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی این پژوهش از ابتدای سال ۱۳۷۰ تا انتهای سال ۱۳۹۲ است. اطلاعات مالی موردنیاز برای متغیرها از صورت‌های مالی شرکت‌ها استخراج شده است و این اطلاعات از طریق نرم‌افزار اقتصاد سنجی ایوبوز برآورد شده است. ولی به علت وجود برخی ناهماهنگی‌ها میان اعضاء جامعه، شرایط زیر برای انتخاب نمونه آماری تعیین شده است:

به منظور همگن شدن نمونه آماری در سال‌های مورد بررسی، شرکت‌ها قبل از سال ۱۳۷۰ در بورس پذیرفته شده باشند.

۱. شرکت‌های عضو صنایع واسطه‌گری مالی، هلدینگ‌ها (شرکت‌های مادر) و بانک‌ها، شرکت‌هایی هستند که عملکرد آنها وابسته به فعالیت سایر شرکت‌ها یا به صورت خاص متمایز از شرکت‌های دیگر می‌باشد. از این رو شرکت‌های یاد شده از نمونه تحقیق حذف شدند. همچنین شرکت‌های سرمایه‌گذاری نیز حذف شدند.

۲. شرکت‌هایی که در طول سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۲ معاملاتشان دچار وقفه نشده باشند و سهام آن‌ها در طول سال‌های مذکور در بورس فعال باشد.

۳. به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آنها، منتهی به اسفند ماه باشد. علت انتخاب این معیار، این است که در محاسبه متغیرها، به خصوص بازده، تا حد امکان دوره‌های زمانی مشابه باشند و شرایط و عوامل فصلی، در انتخاب عوامل و متغیرها اثرگذار نباشد.

۴. شرکت‌هایی که طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۲ تغییر سال مالی نداده باشند.

۵. شرکت‌هایی که صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی مربوط به آن‌ها در دسترس باشد.

در نهایت نمونه انتخابی متشکل از ۴۳ شرکت فعال پذیرفته شده در بورس می‌باشد.

متغیرها و مدل پژوهشی

متغیر وابسته

کیفیت سود (Earnings quality): در این پژوهش جهت سنجش کیفیت سود؛ مطابق با پژوهش بخردی نسب و ژولانژاد (۱۳۹۴) به شرح زیر عمل می‌شود.

رابطه (۱)

$$TA_i = \lambda_1 (\Delta Sales_i - \Delta AR_i) + \lambda_2 PPE_i + \varepsilon_i$$

در مدل فوق:

TA: کل اقلام تعهدی که از طریق محاسبه تغییر در دارایی‌های جاری غیر نقدی منهای تغییر در بدهی‌های جاری منهای استهلاک تعریف می‌شود.

$\Delta Sales_i$: عبارت از تغییرات در خالص فروش برای شرکت.

ΔAR_i : تغییرات در حساب‌های دریافتی.

PPE_i : مبلغ اموال، دارایی‌ها و تجهیزات شرکت.

به این ترتیب مبلغ باقیمانده در معادله رگرسیون یعنی ε_i کیفیت سود را نشان خواهد داد. لازم به ذکر است هرچه میزان اقلام تعهدی اختیاری بیشتر باشد، کیفیت سود کمتر است.

متغیرهای مستقل

استانداردهای تازه وضع شده حسابداری (IFRS): متغیر مجازی که در صورت وجود و به کارگیری استانداردهای تازه وضع شده حسابداری یک و در غیر این صورت صفر می باشد.

استقلال هیئت مدیره (Boindit): استقلال هیئت مدیره شرکت i در سال t که از نسبت اعضای غیر موظف هیئت مدیره به کل اعضای هیئت مدیره بدست می آید.

حفاظت از سهامداران (Minit): حفاظت از سهامداران در صورتی که میزان سود شرکت بیش از حداقل نرخ سود بانکی باشد شرکت i در سال t

پذیرش استانداردهای حسابداری (Accit): پذیرش استانداردهای حسابداری شرکت i در سال t در صورتی که در گزارش حسابرس عدم رعایت استاندارد ذکر نشده باشد ۱ در غیر این صورت صفر

عدم دوگانگی مسئولیت مدیر عامل (Judit): عدم دوگانگی مسئولیت مدیر عامل (در صورت اینکه مدیر عال رئیس هیئت مدیره نباشد ۱ در غیر این صورت ۰) شرکت i در سال t

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (SIZE): لگاریتم جمع دارایی های شرکت.

اهرم مالی (LEV): نسبت بدهی به جمع دارایی های شرکت.

نسبت رشد فروش (GWTH): اختلاف فروش دوره نسبت به دوره به دوره

نرخ رشد دارایی های ثابت شرکت (APPE): تغییرات ارزش اموال دارایی ها و تجهیزات.

وضعیت سود و زیان عملیاتی (LAGLOSS): متغیر مجازی که در صورت زیان ده بودن شرکت عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر اختصاص داده می شود.

مدل پژوهشی

برای بررسی فرضیه های پژوهش که مرتبط با متغیر وابسته کیفیت سود است از مدل زیر استفاده می شود:

$$ERNINGS_Q_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 IFRS + \alpha_2 Boindit + \alpha_3 Min_{it} + \alpha_4 Accit + \alpha_5 Judit + \alpha_6 IFRS * Boindit + \alpha_7 IFRS * Min + \alpha_8 IFRS * Accit + \alpha_9 IFRS * Judit + \alpha_{10} SIZE + \alpha_{11} LEV + \alpha_{12} GWTH + \alpha_{13} PPE + \alpha_{14} LAGLOSS + e$$

که در آن:

ERNINGS-Q: کیفیت سود

IFRS: استانداردهای تازه وضع شده حسابداری

Boindit: استقلال هیئت مدیره

Min: حفاظت از سهامداران

Acc: پذیرش استانداردهای حسابداری

Jud: عدم دوگانگی مسئولیت مدیر عامل

SIZE: اندازه شرکت

LEV: اهرم مالی

GWTH: نسبت رشد فروش

APPE: نرخ رشد دارایی های ثابت شرکت

LAGLOSS: وضعیت سود و زیان عملیاتی

e : جزء باقی مانده مدل

یافته های پژوهش

جهت تحقق فرضیه های پژوهشی ابتدا لازم است آزمون های آماری لازم برای تبیین نوع داده ها انجام گیرد. نتایج آزمون F لیمر در نگاره (۱) برای هر یک از مدل های پژوهش نشان داده شده است، برای تخمین مدل، روش به کارگیری داده ها تلفیقی یا تابلویی

است. مقدار احتمال مربوط به این آماره برای مدل پژوهش یعنی تاثیر به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی و اثر همزمان به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی و حمایت از سرمایه گذار بر کیفیت سود کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر آزمون مبنی بر تلفیقی بودن داده ها برای مدل پژوهش رد می شود. همچنین با توجه به آزمون F لیمر، لازم است آزمون هاسمن برای تعیین نوع داده های تابلویی انجام گیرد. همان طور که در نگاره (۱) مشاهده می شود نتیجه آزمون هاسمن برای مدل پژوهش نشان می دهد که داده ها، تابلویی با اثرات تصادفی هستند. مقدار احتمال مربوط به این آماره از ۵ درصد بیشتر است، بنابراین مدل پژوهش بر روی متغیرهای مورد نظر بر اساس رویکرد داده های تابلویی با اثرات تصادفی تخمین زده می شود.

(نگاره ۱) نتایج آزمون F لیمر و هاسمن

نوع آزمون	آماره	احتمال آماره	نتیجه
F لیمر	۱۸۶/۴۴	۰/۰۰۰۰	روش تابلویی
هاسمن	۱۲/۹۵	۰/۵۲	روش تابلویی با اثرات تصادفی

منبع: یافته های پژوهش

تخمین مدل پژوهش

بر اساس نتایج آزمون F لیمر و آزمون هاسمن، مدل پژوهش بر اساس رویکرد داده های تابلویی با اثرات تصادفی تخمین زده شد. نتایج حاصل از تخمین این مدل در نگاره (۲) ارائه شده است که تاثیر به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی و اثر همزمان به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی و حمایت از سرمایه گذار بر کیفیت سود را آزمون می کند و همان گونه که توضیح داده شد؛ این ویژگی ها شامل استقلال هیئت مدیره، حفاظت از سهامداران، پذیرش استانداردهای حسابداری، عدم دوگانگی مسئولیت مدیرعامل و به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی است. مقدار F رگرسیون که نشان از توان توضیح دهندگی مدل است، برای این مدل احتمال آماره کمتر از ۰/۰۱ است، که می توان گفت در سطح اطمینان ۹۹ درصد این مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است. همچنین ملاحظه مقدار آماره دوربین واتسون (۲/۲۰) نیز مؤید این مطلب است که بین اجزاء اخلاص خودمبستگی وجود ندارد، زیرا این مقدار در فاصله ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد.

(نگاره ۲): نتایج مربوط به تخمین مدل پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	آماره t	p_Value
استانداردهای تازه وضع شده حسابداری	IFRS	0.226892	0.116129	1.953791	0.0514
استقلال هیئت مدیره	BOIND	0.071585	0.022240	3.218773	0.0014
حفاظت از سهامداران	MIN	-0.006855	0.026427	-0.259400	0.7955
پذیرش استانداردهای حسابداری	ACC	-0.042864	0.045481	-0.942444	0.3465
عدم دوگانگی مسئولیت مدیر عامل	JUD	0.177667	0.059563	2.982833	0.0030
اثر ضریبی استقلال هیئت مدیره و استاندارد تازه وضع شده حسابداری	IFRSBOIND	-0.055735	0.023225	-2.399796	0.0168
اثر ضریبی حفاظت از سهامداران و استاندارد تازه وضع شده حسابداری	IFRSMIN	-0.147936	0.051736	-2.859434	0.0045
اثر ضریبی عدم دوگانگی مسئولیت مدیر عامل و استاندارد تازه وضع شده حسابداری	IFRSJUD	-0.089356	0.063773	-1.401152	0.1619
اثر ضریبی پذیرش استانداردهای حسابداری و استاندارد تازه وضع شده حسابداری	IFRSACC	0.019056	0.048146	0.395799	0.6925
اندازه شرکت	SIZE	-0.049304	0.054407	-0.906206	0.3654
اهرم مالی	LEV	-0.218023	0.109243	-1.995756	0.0466
رشد فروش	GWTH	0.005251	0.027202	0.193032	0.8470
نرخ رشد دارایی های ثابت	PPE	-0.003144	0.001923	-1.635000	0.1028
وضعیت سود عملیاتی	LAGLOSS	-0.040052	0.066063	-0.606273	0.5447
عرض از مبدأ	C	0.208413	0.251870	0.827462	0.4084
آماره F: ۵/۵۸	معناداری آماره F ۰/۰۰۰۰ ضریب تعیین ۰/۴۲				
آزمون دوربین واتسون	۲/۲۰	تعداد مشاهدات ۴۷۳			

منبع: یافته های پژوهش

نتیجه گیری

در پژوهش حاضر، برای رد یا عدم رد هر یک از فرضیه‌ها، از آزمون رگرسیون مربعات تعمیم یافته استفاده شد. بر اساس این نتایج فرضیه اول، دوم و سوم تایید شده و فرضیه های چهارم و پنجم پژوهش رد شد که این فرضیه‌ها، در ارتباط با تاثیر به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی و اثر همزمان به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی و حمایت از سرمایه گذار بر کیفیت سود مورد بررسی قرار گرفت.

آزمون فرضیه اول به بررسی کیفیت سود با به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی می پردازد. همان گونه که نتایج نشان می‌دهد، سطح معناداری برای رابطه کیفیت سود با به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران (۰/۵۱۴) با احتمال ۹۰ درصد کمتر از سطح معناداری ۰/۱۰ می‌باشد. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که کیفیت سود بر به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معنادار دارد و در نتیجه آن، فرضیه اول پژوهش رد نمی‌شود. ضریب متغیر به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی برابر با ۰/۲۲ است که نشان می‌دهد، که هر چه شرکت‌هایی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار بیشتر استانداردهای حسابداری مالی را به کار گیرند، کیفیت سود نیز بیشتر شده و هر چه شرکت‌هایی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار کمتر از استانداردهای حسابداری مالی در گزارش گری خود استفاده نمایند، کیفیت سود نیز کمتر شده است. بنابراین نتایج می توان اذعان نمود که یکی از عوامل موثر بر کیفیت سود به کار گیری استاندارد های حسابداری در تهیه صورت های مالی برای استفاده کنندگان است و هر چه استانداردهای حسابداری مالی بیشتر مورد استفاده قرار گیرد کیفیت سود رو به صعودی داشته و بهتر خواهد شد، البته باید در این ارتباط میثاق هزینه منفعت را در نظر گرفته و با تشخیص مدیریت از میزان اطلاعات مورد نیاز استفاده کنندگان ابتدا استاندارد های ضروری و مرتبط با فعالیت رعایت و بعد از آن با توجه به این میثاق بقیه استاندارد ها به کار گرفته شود. همچنین استفاده کنندگان از اطلاعات حسابرسی شده باید مورد کیفیت و مدیریت سود را نیز در تحلیل های خود مورد بررسی قرار دهند و بررسی شود که چه میزان از این کیفیت سود ناشی از اقدامات مدیریت برای مدیریت سود است. بنابراین به سهامداران پیشنهاد می شود که در صورت تمایل به بررسی کیفیت سود شرکت های بورسی و غیر بورسی به وجود استاندارد های حسابداری خاص مرتبط با فعالیت شرکت توجه نمایند و سهام شرکت هایی را خریداری نمایند که برای فعالیت عادی آن استاندارد حسابداری تدوین شده باشد.

در آزمون فرضیه دوم کیفیت سود با به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی و استقلال هیئت مدیره بررسی شده است. همان گونه که نتایج نشان می‌دهد، سطح معناداری برای رابطه کیفیت سود با به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی و استقلال هیئت مدیره در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران (۰/۰۱) با احتمال ۹۵ درصد کمتر از سطح معناداری ۰/۰۵ می‌باشد. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی و استقلال هیئت مدیره بر کیفیت سود در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد و در نتیجه فرضیه دوم پژوهش رد نمی‌شود. ضریب متغیر اثر همزمان استانداردهای حسابداری مالی و استقلال هیئت مدیره برابر با ۰/۰۵- است که نشان می‌دهد، شرکت‌هایی که همزمان استانداردهای حسابداری مالی را به کار می گیرند و هیئت مدیره دارای استقلال است از کیفیت سود کاسته می شود؛ به عبارت دیگر نتایج حاکی از آن است که هر چه استقلال هیئت مدیره بیشتر شود و استاندارد های حسابداری نیز در آن شرکت در یک دوره زمانی مشخص به کار گرفته شود، کیفیت سود رو به نزول خواهد بود. بنابراین به نظر می رسد که با استقلال مدیریت که یکی از عوامل حمایت از سرمایه گذاران است و به کارگیری همزمان استاندارد های حسابداری به عنوان یک عامل بازدارنده و کاهش کیفیت سود بوده و با افزایش این عوامل کیفیت سود کاهش یافته که با توجه به اینکه به کارگیری استاندارد های حسابداری اجباری بوده و در جهت حمایت از ذینفعان شرکت در صورت وجود استقلال هیئت مدیره، بهتر از در جهت وجود کیفیت مناسب از سود، برای وجود سطح مناسبی از این عامل (کیفیت سود) سطح استقلال هیئت مدیره و به کارگیری استاندارد های حسابداری تعدیل گردد. بنابراین به سهامداران پیشنهاد می شود که در صورت تمایل به بررسی کیفیت سود شرکت ها علاوه بر وجود استاندارد به استقلال هیئت مدیره نیز توجه نمایند.

در فرضیه سوم کیفیت سود با به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی و حفاظت از سهامداران بررسی شده است. همان گونه که نتایج نشان می‌دهد، سطح معناداری برای رابطه کیفیت سود با به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی و حفاظت از سهامداران در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران (۰/۰۴۵) با احتمال ۹۵ درصد کمتر از سطح معناداری ۰/۵ می‌باشد. از این

رو می توان نتیجه گرفت که به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی و حفاظت از سهامداران بر کیفیت سود در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری دارد و در نتیجه آن، فرضیه سوم پژوهش رد نمی شود. ضریب متغیر اثر همزمان استانداردهای حسابداری مالی و حفاظت از سهامداران برابر با ۰/۱۴- است که نشان می دهد، شرکت هایی که همزمان استانداردهای حسابداری مالی را به کار می گیرند و سود تحصیل شده آن ها از نرخ بهره بانکی بیشتر است از کیفیت سود کاسته می شود؛ به عبارت دیگر نتایج حاکی از آن است که هر چه سود تحصیلی بیشتر از نرخ بهره بانکی باشد (افزایش ریسک به دلیل افزایش بازده و منافع) و استاندارد های حسابداری نیز در آن شرکت در یک دوره زمانی مشخص به کار گرفته شود، کیفیت سود رو به نزول خواهد بود. بنابراین با توجه به این نتایج می توان گفت که هر چه میزان منافع کسب شده توسط شرکت از نرخ بهره های بانکی بیشتر باشد، ریسک شرکت فزونی یافته و به نسبت کیفیت سود کاهش خواهد یافت و در شرکت هایی که دارای نرخ سود کسب شده ای معادل یا افزایش یا کاهش جزئی نسبت به نرخ بهره بانکی هستند دارای ریسک کمتر و در نتیجه کیفیت سود بیشتر و همچنین نوسانات کمتر سود طی دوره های زمانی متوالی هستند. بنابراین به مدیریت پیشنهاد می شود که با توجه به رابطه منفی بین این رابطه به انتظارات سهامداران توجه نموده و با در نظر گرفتن ریسک پذیری یا ریسک گریزی سهامداران، برنامه ها و فعالیت های خود را برای کسب سود و بازده تدوین نمایند.

در فرضیه چهارم کیفیت سود با به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی و پذیرش استانداردهای حسابداری بررسی شد. همان گونه که نتایج نشان می دهد، سطح معناداری برای رابطه کیفیت سود با به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی و پذیرش همزمان استانداردهای حسابداری در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران (۰/۶۹) با احتمال ۹۵ درصد بیشتر از سطح معناداری ۰/۰۵ می باشد. از این رو می توان نتیجه گرفت که به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی و پذیرش همزمان استانداردهای حسابداری بر کیفیت سود در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری ندارد و در نتیجه آن، فرضیه چهارم پژوهش رد می شود. بنابراین با توجه به نتایج فرضیه اول که بر نشان داد به کارگیری استاندارد های حسابداری تاثیری مثبتی دارد، می توان ادعا نمود که عامل به کارگیری استاندارد های حسابداری اگر همزمان با پذیرش استاندارد های توسط شرکت ها به کار گرفته شود تاثیری بر کیفیت سود نداشته و به استفاده کنندگان پیشنهاد می شود اثر همزمان این عوامل را برای بررسی کیفیت سود در تحلیل های خود به کار نگیرند. بنابراین به سهامداران و سایر اشخاص پیشنهاد می شود عوامل دیگری به جزء عوامل بررسی شده در این پژوهش را برای بررسی کیفیت سود شرکت ها در نظر بگیرند.

در آزمون فرضیه پنجم کیفیت سود با به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی و عدم دوگانگی مسئولیت مدیر عامل بررسی شد. همان گونه که نتایج نشان می دهد، سطح معناداری برای رابطه کیفیت سود با به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی و عدم دوگانگی مسئولیت مدیر عامل در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران (۰/۱۶) با احتمال ۹۵ درصد بیشتر از سطح معناداری ۰/۰۵ می باشد. از این رو می توان نتیجه گرفت که به کارگیری استانداردهای حسابداری مالی و عدم دوگانگی مسئولیت مدیر عامل بر کیفیت سود در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران تاثیر معناداری ندارد و در نتیجه آن، فرضیه پنجم پژوهش رد می شود. بنابراین با توجه به نتایج فرضیه اول که نشان داد به کارگیری استاندارد های حسابداری تاثیری مثبتی دارد، می توان ادعا نمود که عامل به کارگیری استاندارد های حسابداری اگر همزمان با عدم دوگانگی مسئولیت مدیر عامل به کار گرفته شود تاثیری بر کیفیت سود نداشته و به استفاده کنندگان پیشنهاد می شود اثر همزمان این عوامل را برای بررسی کیفیت سود در تحلیل های خود به کار نگیرند. بنابراین به سهامداران و سایر اشخاص پیشنهاد می شود عوامل دیگری به جزء عوامل بررسی شده در این پژوهش را برای بررسی کیفیت سود شرکت ها در نظر بگیرند.

همچنین متغیرهای کنترلی آزمون شده در این پژوهش شامل اندازه شرکت، اهرم مالی، نرخ رشد دارایی های ثابت، رشد فروش و وضعیت سود عملیاتی است. طبق نگاره (۲)، میزان p_Value محاسبه شده متغیر اندازه شرکت برابر با ۰/۳۶ می باشد که نتایج آزمون در سطح معنی دار ۰/۰۵ با اطمینان ۰/۹۵ درصد رد می شود و نشان می دهد بین اندازه شرکت با کیفیت سود رابطه معناداری وجود ندارد. میزان p_Value محاسبه شده متغیر اهرم مالی برابر با ۰/۰۴ است که نشان می دهد با اطمینان ۹۵ درصد معناداری تاثیر متغیر در سطح معنی داری ۰/۰۵ رد نمی شود و اهرم مالی یکی از عوامل موثر بر کیفیت سود می باشد. میزان p_Value محاسبه شده متغیر رشد فروش برابر با ۰/۸۴ است که نشان می دهد با اطمینان ۹۵ درصد معناداری تاثیر متغیر در سطح معنی داری ۰/۰۵ رد می شود و بین رشد فروش با کیفیت سود رابطه معناداری وجود ندارد. میزان p_Value محاسبه شده متغیر نرخ رشد دارایی های ثابت برابر با ۰/۱۰ است که نشان می دهد با اطمینان ۹۵ درصد معناداری تاثیر متغیر در سطح معنی داری ۰/۰۵ رد

می شود و می توان گفت بین نرخ رشد دارایی های ثابت با کیفیت سود رابطه معناداری وجود ندارد. آخرین متغیر کنترلی آزمون شده در این پژوهش وضعیت سود عملیاتی است. مقدار p_Value به دست آمده برای این متغیر بالاتر از سطح معناداری ۰/۰۵ می باشد که رابطه معناداری آن با متغیر وابسته با اطمینان ۹۵ درصد رد می شود.

منابع و مراجع

- [۱] بخردی نسب، وحید و ژولانژاد، فاطمه (۱۳۹۴). تاثیر اقلام تعهدی بر شاخص SA. ماهنامه پژوهش های مدیریت و حسابداری. شماره پانزده و شانزده؛ شهریور و مهرماه ۱۳۹۴.
- [۲] بلکویی، احمد (۱۳۸۱). تئوری های حسابداری، ترجمه علی پارسائیان، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی صص ۵۳۲-۵۳۱.
- [۳] شباهنگ، رضا، ۱۳۱۱-تئوری حسابداری / تألیف رضا شباهنگ. تهران : سازمان حسابرسی، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، ۱۳۸۲-۱۳۸۱.
- [۴] محمدزادگان، اکبر. "بررسی رابطه بین قابلیت اتکای اقلام تعهدی با پایداری سود و قیمت سهام در شرک تهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". دانشگاه بین المللی امام خمینی:پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، ۱۳۸۵.
- [۵] نیکو مرام، هاشم. نوروش، ایرج. مهر آذین، علیرضا. (۱۳۸۵). ارزیابی مدل های مبتنی بر اقلام تعهدی برای کشف مدیریت سود. مجله پژوهش های مدیریت. سال ۲۰. شماره ۸۲. پاییز ۱۳۸۸. صص ۲۰-۱.
- [6] Armstrong, C. S., Barth, M. E., & Riedl, E. J. (2010). Market reaction to the adoption of IFRS in Europe. *The Accounting Review*, 85(1), 31–61.
- [7] Ball, R. (2001). Infrastructure requirements for an economically efficient system of public financial reporting and disclosure. *Brookings-Wharton Papers on Financial Services*, 127–169.
- [8] Ball, R., Kothari, S., & Robin, A. (2000). The effect of international institutional factors on properties of accounting earnings. *Journal of Accounting and Economics*, 29(1), 1–51.
- [9] Ball, R., Robin, A., & Wu, J. (2003). Incentives vs. standards: Properties of accounting numbers in four East Asian countries, and implications for acceptance of IAS. *Journal of Accounting and Economics*, 36(1–3), 235–270.
- [10] Barth, M., Landsman, W., & Lang, M. (2008). International Accounting Standards and accounting quality. *Journal of Accounting Research*, 46(3), 467–498.
- [11] Beneish, M. D., & Vargus, M. E. (2002). Insider trading, earnings quality, and accrual mispricing. *The Accounting Review*, 77(4), 755–791.
- [12] Ding, Y., Hope, O., Jeanjean, T., & Stolowy, H. (2007). Differences between domestic accounting standards and Ebrahim, A. (2007). Earnings management and board activity: An additional evidence. *Review of Accounting & Finance*, 6(1), 42–58. IAS: measurement, determinants and implications. *Journal of Accounting and Public Policy*, 26(1), 1–38.
- [13] FASB (IASB) (2010). Statement of financial accounting concepts no. 8: Conceptual framework for financial reporting. Chapters 1 and 3.
- [14] Jamal, K., Colson, R. H., Bloomfield, R. J., Christensen, T. E., Moehrl, S. R., Ohlson, J. A., et al. (2010). Research based perspective on SEC's proposed rule on roadmap for potential use of financial statements prepared in accordance with international financial reporting standards (IFRS) by U.S. issuers. *Accounting*
- [15] Lin, H., & Paananen, M. (2009). The development of accounting quality of IAS and IFRS over time: The case of Germany. *Journal of International Accounting Research*, 8(1), 31–55.
- [16] Soderstrom, N. S., & Sun, K. J. (2007). IFRS adoption and accounting quality: A review. *The European Accounting Review*, 16(4), 675–702.
- [17] The Financial Development Report (2008). World economic forum. USA.
- [18] van Tendeloo, & Vanstraelen, A. (2005). Earnings management under German GAAP versus IFRS. *The European Accounting Review*, 14(1), 155–180.